

زن مسلمان آراسته به کرامت

نگاه اسلام به زنان «عالمانه» است



عکس: نژادینا است

✚ اگر به ۲ واژه «برابر» و «مساوی» درباره زن و مرد دقت کنیم و تمایز این ۲ واژه را درک کنیم، به نگاه و نظر اسلام به جنس مؤنث پی می‌بریم. «برابر» برای زن و مرد یک واژه عادلانه و مطلوب با طبیعت ذاتی آن هاست در حالی که تساوی بین زن و مرد امکان‌پذیر نیست. اگر زنان مشابه مردان بودند، ضرورتی برای آفرینش جنس دیگری نمی‌بود. این در حالی است که حتی زنان با زنان و مردان با مردان مشابه نیستند. اسلام به زنان حقوق مساوی داده، نه مشابه مردان، و از این طریق به ایشان شخصیت مستقل عطا کرده است. شرایطی که اسلام برای زن مهیا می‌کند امنیت و حفاظت در برابر مشکلات و شرایط نامساعد است. این محافظت و توجه با طبیعت زن سازگاری دارد. گاهی با اشاراتی به آیات قرآن و روایات درباره برتری مردان و ضعف زنان، حقوق برابر زنان به چالش کشیده می‌شود. با اشاره‌ای کوتاه، می‌توان گفت این برتری به وظایف اقتصادی مردان مربوط می‌شود و به معنای برتری نیست. مسئولیتی است که بر مرد وارد شده است و در همین حد که در حوصله موضوع متن نمی‌گنجد از آن عبور می‌کنیم و به چند نکته حائز اهمیت درباره امتیازات زنان در مقابل بعضی محدودیت‌ها اشاره می‌شود که مردان از آن محروم هستند.

✚ زن گل است، نه کارگزار

اسلام وظیفه‌ای برای زن نسبت به مخارج زندگی قرار نداده است و اگر همسر داشته باشد شوهر و اگر دختر باشد پدرش این مسئله را بر عهده دارد. هم چنین به عنوان مادر، در نظر خداوند و اهل بیت^(ع) دارای ارزش بیشتری است. «بهشت زیر پای مادران است.» سه چهارم مهر و محبت پسر در برابر یک چهارم برای پدر را جذب می‌کند. او می‌تواند تقاضای مهریه کند که تماماً متعلق به اوست. اگر بخواهد کار کند و درآمدی داشته باشد، آزاد است و ...

خداوند از روی مهر و محبت و بر اساس طبیعت زن و مرد، تقسیمات را عطا کرده است. بنابراین اگر چه زن در برخی زمینه‌ها محدود شده، در سایر زمینه‌ها جبران شده است و جنسیت او هیچ نقشی در استقلال و ارزش او ندارد. «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف.» زنان همان حقوقی را دارند که مردان دارند. مقام زن در اسلام خاص و منحصر به فرد است. «المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه.» زن گل است،

نه کارگزار. در تفسیر این روایت، رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «در جامعه ما متأسفانه به تبع خیلی از جاهای دنیا، شأن زن شناخته نشده است. در نظر اسلام و در نگاه کلی‌ای که اسلام دارد، زن همان است که در این جمله «المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه» است، مثل یک گل. یک گل وجودش لازم است و نگهداری‌اش لوازمی دارد: و لیست بقهرمانه. منظور از قهرمان، این قهرمان متعارف ما نیست. قهرمان یعنی کارگزار، یعنی در واقع رئیس خدمه. این جوری نیست که خانم در خانه شما مسئول خدمتگزاری باشد، حالا ولو به عنوان رئیس خدمه. قضیه این نیست. و لیست بقهرمانه. قهرمان در تعبی‌رات عربی و در اصطلاحات رایج ادبیات عرب عبارت است از آن کسی که ملک شما را برایتان اداره می‌کند. یعنی کارهایتان را انجام می‌دهد. وقتی شما صاحب یک ملکی هستید، یک قهرمانی دارید. می‌گوید زن این جوری نیست. حالا شما ببینید اگر در یک خانواده‌ای، در یک جامعه‌ای، به زن با این چشم نگاه بشود، اولاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌آمیز با او و مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب می‌شود که زن احساس امنیت کند، احساس آرامش کند.»

✚ کارخانگی راجح‌دهیم

بنابر آنچه در روایت و فرمایشات هست می‌توان نتیجه گرفت: ۱- کار زن در خانه محترم و ارزشمند است و نباید کم‌ارزش تلقی شود. ۲- انجام امور خانه وظیفه زن نیست که اگر انجام نشد مرد طلبکار باشد. ۳- زن بابت زحماتی که در خانه می‌کشد می‌تواند از مرد مزد دریافت کند. ۴- مخاطب این روایت مردان هستند که حفظ شأن لطافت و گل بودن زنان در تمام عرصه‌ها از سیستم آموزشی و اداری گرفته تا خانه بر عهده مردان است. در عصری که زنان علاوه بر امور منزل، تربیت و آموزش فرزندان، وظیفه خرید و کمک اقتصادی در امور مخارج خانه چه با اشتغال و چه با مدیریت جهادی، کنترل هزینه‌ها را بر عهده گرفته‌اند، شایسته است از عالمان دینی این مطالبه را داشته باشیم که در کنار تذکرات اخلاقی و دینی مانند «آی خانم‌ها! اقتدار مردان‌تان را حفظ کنید.» بگویند: «آی آقایان! لطافت و گل بودن زنان‌تان را حفظ کنید.»

ریحانه

ملیحه غبور
مدیر
مشارکت‌های
بانوان
حفظ ارزش‌های
دفاع مقدس
استان خراسان



(۳)

آشنیه
۱۵ آذر ۱۴۰۰
آغازی‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۲۵۴۷

شهربانو

شهر

پسرانم دوست داشتند نامشان مخفی باشد

مادر شهیدان «بختی»، تربیت پیش از بارداری را ضرور می‌داند

تجربه



سعدیه آل‌ابراهیم
روزنامه‌نگار

مصطفی و مجتبی بختی، اولین برادران شهید مدافع حرم هستند. مجتبی متولد سال ۶۷ و مجرد بود و مصطفی متولد سال ۶۱، متأهل و صاحب ۲ فرزند دختر. هردو شان چند سالی می‌شد که گذرنامه‌هایشان را برای رفتن به سوریه آماده کرده بودند، اما ناچار بودند با هویت افغانستانی از قم به سوریه بروند. مادرشان، خدیجه بختی، که غیر از ۲ پسر، یک دختر نیز داشت، معتقد بود فرزندان فرشته‌هایی هستند که خداوند به ما امانت می‌دهد. پسران او قصدشان دفاع از حرم بود و خدیجه مادر بود و عاشق. نمی‌شود که مادر از بچه‌هایش سیر شود، اما او آن قدر بچه‌هایش را دوست داشت که می‌خواست به آنچه دلشان می‌خواست برسند. «آگاهانه راضی به رفتنشان شدم. یعنی می‌دانستم ممکن است شهید شوند. خودشان هم آرزوی شهادت داشتند اما راضی به رضای خدا بودم. بچه‌هایم برای رفتن بی‌تاب بودند و خودم از امام رضا^(ع) خواستم بچه‌هایم طلبیده شوند.»

این مادر شهید بر این باور است که خیلی از مردم با منش شهدای مدافع حرم کمتر آشنا هستند. «پسرانم هردو کار می‌کردند و شرایط ایده‌آلی برای زندگی داشتند. مصطفی در آستان قدس رضوی مشغول به کار بود و حقوق قبول شده بود. مجتبی نیز خود را برای ارشد حقوق آماده می‌کرد. حتی با نام‌های جعلی برای جنگ رفتند. این موضوع باید اتمام حجتی باشد برای بعضی افراد که با سوءظن به فلسفه جهاد نگاه می‌کنند.»

می‌گوید: باید تربیت بچه‌ها پیش از بارداری آغاز شود و مادران الگوی خوبی برای بچه‌هایشان باشند زیرا پدران حضور کمتری در خانه دارند و وظیفه‌شان تهیه لقمه حلال است. سال ۹۴ پس از به شهادت رسیدن این برادران در عملیات آزادسازی تدر، به علت مجهول بودن هویتشان، آن‌ها را به قم اعزام می‌کنند و پیکرها را در حرم حضرت معصومه^(س) طواف می‌دهند. سرانجام، همان روزی که پیکرها به مشهد منتقل می‌شوند، دختران مصطفی خانه را برای تولد پدر آماده کرده بودند که متوجه شهادتش می‌شوند.

مصطفی و مجتبی بختی در قطعه شهدای بهشت رضا^(ع) به خاک سپرده شده‌اند.

